

مقدمه‌ای بر سیره در تاریخ

اثر: هادی دوست محمدی

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱۱۱ تا ۱۳۲)

چکیده:

در بخش پیش، پس از توضیح واژه و اصطلاح "سیره" و چگونگی به کاربردن آن، به نقش و اهمیت این بخش از تاریخ پرداختیم و یادآور شدیم که: بدون شناخت سیره در فرهنگ اسلام، به دست آوردن بینش اصیل و صحیح اسلامی، میسر نخواهد بود، آنگاه اهداف و تفاوت‌های آن با تاریخ و مغازی را بیان داشتیم.

واژه‌های کلیدی: سیره، سنت، طریقه، حال.

مقدمه:

اصرار و تاکیدهای قرآن :

یکی از عوامل برانگیزنده در تعقیب، تحلیل و بررسی سیره رسول اکرم(ص)، اصرار و تاکیدهای فراوان قرآن مجید می باشد .

باتوجه به اینکه قرآن شریف، کتاب آسمانی، الهی و وحی بوده قانون اساسی برای حیات بشری و راهنمای سعادت و نیکبختی انسانها در همه ابعاد زندگی است و هرگز مبالغه، اغراق و گزافه در آن راه ندارد و واقعیتها و حقائق جهان را آنچنان که هستند و همچنان که خدای متعال و آفریننده حکیم، مقدر و مقرر فرموده است، بیان می دارد و هیچگونه کم و زیادی در آن نیست ، انبیای الهی (ع) را عموماً و رسول اکرم (ص) را خصوصاً، سمبل همه زیباییها معرفی کرده و راه و روش آنان را طریق خوشبختی و کمال نشان داده است و تخطی و انحراف از سیره آنان را کژی و کفر، ظلم، فسق و سقوط از انسانیت دانسته است. بنابراین بر هر اندیشمندی به خصوص بر مسلمانان، لازم است تا در آشنایی با روش و سیره آن بزرگوار و سایر پیشوایان معصوم تعمق نمایند و در این مسیر از هیچ کوشش و مجاهده‌ای کوتاهی نکنند تا به اهداف انسانی اسلامی خود دست یابند.

اکنون در این راستا، توجه خوانندگان را به نمونه‌هایی از اصرارها و تاکیدهای قرآن معطوف می داریم. گرچه رسیدگی تنها به این موضوع، بخشی گسترده و خود کتاب بزرگ و قطوری را تشکیل می دهد، ولی ما با نقل و نگارش فهرست گونه‌ای از نمونه‌ها، بحث تفصیلی آن را به عهده خوانندگان محقق می گذاریم .

وجوب اطاعت :

قرآن کریم در موارد بسیاری، پیروی و اطاعت از رسول اکرم (ص) را صریحاً واجب دانسته و آن را در ردیف اطاعت از خدای متعال معرفی کرده است مانند :
من يطع الرسول فقد اطاع الله (سوره نساء، آیه ۸۰) کسی که پیامبر را پیروی و اطاعت

نماید، پس به تحقیق خدا را اطاعت کرده است .

و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله. (نساء آیه ۶۴) و هیچ پیامبر و رسولی را برای مردم نفرستادیم جز اینکه به اذن خدا باید مورد پیروی و اطاعت قرار گیرد. یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم. (سوره نساء، آیه ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و اولی الامر از میان خودتان را اطاعت کنید .

ملاحظه می‌کنید که خدای متعال، بدون هیچگونه چون و چرا و استثناء اطاعت پیامبر را واجب معرفی کرده است و این حکایت از آن می‌کند که شخصیت وجودی او به قدری متکامل است که قریب به وجود مطلق و کمال محض گشته و به قرب رسیده است و هیچگونه نقصی در او نیست که متکلمین از دانشمندان، بحث عصمت انبیاء را نیز با این بحث ارتباط می‌دهند .

بنابراین یکی از اهداف در سیره این است که به همه ابعاد شخصیتی و وجودی این موجود متکامل پی ببریم و از شناخت واقعی او به مراتب کمال و زیباییها دست یابیم و راه رسیدن به سعادت و خوشبختی جاودانه و وصول به کمال مطلق را از او فراگیریم .

در بسیاری از آیات قرآن، هرگاه سخن از پیروی و اطاعت خدا به میان آمده است، بلافاصله اطاعت پیامبر مطرح شده است و به این وسیله اطاعت او تالی تلو اطاعت خدا شمرده شده است که برای یادآوری و جلوگیری از اطناب و تفصیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تعابیری مانند: اطیعوا الله و الرسول. یا اطیعوا الله و رسوله (خدا و رسول او را اطاعت کنید) یا نظایر آنها با اندکی تفاوت در قرآن مجید، بسیار به چشم می‌خورد که به عنوان نمونه به آیات ذیل توجه فرمائید :

آیات: ۱۳، ۶۹، ۸۰، ۵۹ سوره نساء - آیات: ۵۲، ۵۴، ۵۶ سوره نور - آیات: ۳۳ و ۷۱ سوره احزاب - آیات: ۳۲ و ۱۳۲ سوره آل عمران - آیه ۹۲ سوره مائده -

آیات: ۲، ۱ و ۴۶ سوره انفال - آیه ۳۳ سوره محمد (ص) - آیه ۱۳ سوره مجادله .
 در برخی از موارد، کلمات وحی به زبان خود رسول اکرم (ص) بیان شده است
 که اطاعت پیامبر (ص) پس از رعایت تقوای الهی مورد توجه قرار گرفته است مانند:
 فاتقوا الله و اطیعون. (شعر، آیه ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹ - زخرف، آیه ۶۳ - نوح، آیه ۳
 - تغابن، آیه ۱۲ و...) (پس تقوای الهی را پیشه سازید و مرا اطاعت کنید) که طبعاً تقوای
 الهی با اطاعت از پیامبر (ص) لازم و ملزوم یکدیگر شمرده شده اند.

در بعضی از آیات بدون هیچ شرط و استثناء، ایمان آوردن به او و اجرای
 دستورات او را واجب و تاکید فرموده است. مانند: یا ایها الذین آمنوا، آمنوا بالله و
 رسوله. (نساء، آیه ۱۳۶) ای کسانی که ایمان دارید، به خدا و رسولش ایمان بیاورید .

ما اتاكم الرسول فخذوه و مانهاكم عنه فانتهوا: (حشر، آیه ۷) آنچه را که پیامبر برای
 شما آورده است، پذیرفته و عمل کنید و آنچه را که نهی کرده است، قبول کنید و
 متنبه شوید و آنرا انجام ندهید .

شخصیتی که تمام گفته‌ها و اوامرش مطاع و همه نواهی او، از سوی خدای
 متعال ممنوع معرفی شده است، طبعاً شخصی است بی نظیر و جامع همه فضائل و
 کمالات که باید در شناخت او کمال همت و دقت را به کار بگیریم و این وظیفه تنها
 در تعقیب و تحلیل سیره، عملی خواهد بود.

معیار و مدار حق :

در قرآن، رسول اکرم (ص) معیار و شاخص حق معرفی شده است و خدای
 متعال او را در همه ابعاد زندگی محور و مدار حق دانسته است و تخطی از فرمان او
 عصیان و مخالفت با او را صریحاً باطل، اعلام فرموده است :

والذین آمنوا و عملوا الصالحات و آمنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من
 ربهم کفر عنهم سیئاتهم و اصلح بالهم ذلک بان الذین کفروا اتبعوا الباطل و ان
 الذین امنوا اتبعوا الحق من ربهم (سوره محمد (ص)، آیه ۲ و ۳).

آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و به آنچه که بر محمد(ص) نازل شده است، ایمان آورده‌اند که او از ناحیه خدایشان حق است، خدای متعال زشتیهای آنان را خواهد پوشانید و امور زندگی آنان را اصلاح خواهد کرد. این بدان صورت است: آنان که کفر ورزیده‌اند، پیروی از باطل نموده‌اند و به درستی آنان که ایمان آورده‌اند، از حقی که از سوی پروردگارشان است، پیروی کرده‌اند.

یا ایها الناس قد جائکم الرسول بالحق من ربکم. (سوره نساء، آیه ۱۷۰) ای مردم به تحقیق از طرف پروردگارتان، برای شما، رسول و فرستاده حق آمده است. و در آیه دیگر: پس از آنکه اطاعت رسول را در ردیف اطاعت الله معرفی کرده، می‌فرماید:

فان تنازعتم فی شی فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله والیوم الاخر. (نساء، آیه ۵۹) اگر در مورد چیزی منازعه و اختلاف داشتید، پس آن را به خدا و رسول ارجاع دهید. اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اید.

در این آیات رسول اکرم (ص) شاخص و محور حق تعیین گشته است که در این مورد امام امیرمؤمنان (ع) به مالک اشتر خطاب کرده می‌فرماید: در همه امور به رسول اکرم (ص) مراجعه کن ... که خدای متعال برای قومی که عنایت و لطف به آنان داشته و ارشاد و هدایت آنان را دوست می‌داشته فرموده است: یا ایها الذین آمنوا ... و ان تنازعتم ... پس ردّ و ارجاع به خدای متعال این است که اخذ به کتاب محکم الهی و عمل به قرآن مجید شود و مراجعه به رسول اکرم (ص) این است که اخذ به سنت و سیره آن حضرت گردد. (خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه)

با توجه به آیات کریمه، شناخت آن حضرت و آشنایی با همه ابعاد زندگی او، وظیفه هر مسلمان، بلکه وظیفه هر انسان وارسته‌ای است. بنابراین عنایت و توجه به سیره، از اهمیت بسیاری برخوردار است و رسیدن به حق و شناخت حق و در مسیر حق قرار گرفتن، از اهداف سیره می‌باشد.

حیاتبخش جاودانه و رحمت جهانی :

یکی دیگر از علل و انگیزه‌هایی که ما را در تعقیب و بررسی سیره نبوی، به کوشش و پوییش وامی‌دارد، آن است که: قرآن مجید در (اصرار و تاکیدهای خود)، رسول اکرم (ص) را رسول و پیام آور برای کافه جهانیان و آئین او را جهانی و جاودانه معرفی کرده است. آنجا که می‌فرماید :

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً .(اعراف، آیه ۱۵۹)

بگو: هان ای مردم! بی تردید من رسول و فرستاده خدا برای همه شما هستم .
و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین .

و ما تو را نفرستادیم جز اینکه برای همه جهان و جهانیان رحمت باشی .

و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً .(انبیاء - آیه ۱۰۷ و سبأ، آیه ۲۹)

و ما تو را نفرستادیم مگر برای کافه مردم که بشارت و مژده دهنده و اخطار دهنده
و ترساننده باشی .

و در مورد دیگر، خطاب به مردم و انسانها می‌فرماید :

به خدا و رسولش پاسخ مثبت بدهید و هنگامی که پیامبر (ص) شما را برای
اینکه زندگی و حیات ببخشد دعوت می‌کند، او را اجابت کنید .

استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم .(انفال، آیه ۲۴)

بدیهی است که هر انسانی، به خصوص هر مسلمانی باید بکوشد تا با زندگی
شخصی که رحمت جهانی و حیاتبخش جاودانه و جهانی است، آشنا گردد و علت
این همه عظمت و جلال را دریابد .

اطاعت او هدایت و مخالفت او ضلالت است .

در آیات بسیاری از قرآن کریم، تصریح شده است که پیروی و اطاعت پیامبر،
موجب هدایت، رستگاری و نیکبختی است و سرپیچی از فرمان او عامل بدبختی،
شقاوت و گمراهی است .

علاوه بر آیاتی که در گذشته در رابطه با وجوب اطاعت از پیامبر و توالی اطاعت

او با اطاعت خدای متعال آوردیم، آیات دیگری نیز بیانگر این حقیقت هستند، مانند :

و ان تطيعوه تهتدوا: (نور، آیه ۵۴) اگر او را اطاعت نمائید، هدایت یافته‌اید .
و اطيعوا الرسول لعلکم ترحمون: (نور، آیه ۵۶) رسول را اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

و من يطع الله والرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم : (نساء، آیه ۹۶) و کسانی که خدا و رسول را اطاعت می‌کنند، آنان با کسانی خواهند بود که مورد عنایت و انعام الهی قرار گرفته‌اند.

و فردوس برین و بهشت جاویدان را نتیجه پیروی و اطاعت از رسول دانسته می‌فرماید :

و من يطع الله و رسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار: (نساء، آیه ۱۳) و کسی که خدا و رسولش را اطاعت نماید، او را وارد بهشت خواهد کرد، که در آنجا نهرها و جویها جاری است .

و در مقابل، اطاعت نکردن از آن حضرت و سرپیچی از فرمان او و توجه نداشتن به او و ایذاء او را علت بطلان عمل، عذاب جهنم و فسق و کفر و گمراهی دانسته می‌فرماید :

و الذین یؤذون رسول الله لهم عذاب الیم: (توبه، آیه ۶۱) و کسانی که رسول خدا را اذیت می‌کنند، برای آنان عذاب الیم و شکنجه‌هایی دردناک خواهد بود.

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و لا تبطلوا اعمالکم : (محمد(ص)، آیه ۳۲) خدا و رسول را اطاعت کنید و اعمال خویش را باطل نسازید .

و من یعص الله و رسوله و يتعد حدوده یدخله ناراً: (نساء، آیه ۱۴) و کسی که در مقابل خدا و رسولش عصیان بورزد و از حد و حدودی که پیامبر تعیین کرده است، تجاوز نماید، خداوند او را وارد آتش دوزخ خواهد کرد .

ولایت بر جان و مال :

این، مایه شگفتی است که یک انسان، ولایت و حکومتش بر جان و مال مردم، از خود آنان بیشتر باشد و در ولایت و قدرت تصرف در نفوس و اموال، اولویت داشته باشد، ولی به این حق برای رسول اکرم (ص) در قرآن مجید، تصریح و اعلام شده است :

النَّبِيُّ اُولٰٓئِیۡ بِالْمُؤْمِنِیۡنَ مِنْ اِنۡفُسِهِمْ: (به آیات ۶۳، ۲۴، ۸۴، ۹۴، ۱۰۵ و ۱۶ مزمل و ۶۶ احزاب و ۳۳ مائده و ۹ مجادله و سوره مبارکه حجرات نیز رجوع شود) این پیامبر، برای مومنان، از خود آنان ولایت و اولویت بیشتری دارد .

انما ولیکم الله ورسوله: (مائده، آیه ۵۵) این است و جز این نیست که مولا و ولی شما خدا و رسول او است .

ناگفته پیداست شخصیت بی‌مانندی که در پیشگاه باریتعالی، این اندازه از عظمت و قرب برخوردار است، حکایت از آن دارد که او موجودی است از همه جهانیان کاملتر و نشانگر صفات کمال و جمال خداوندی و از زشتیها و آلودگیها مبرا و منزه است و مانند پروردگار عالمیان بر همه انسانهاست. ولایت و حکومت مطلقه دارد. از همین نکات، ارزش و اهمیت سیره او به وضوح روشن می‌گردد و لزوم و ضرورت آن نیز به روشنی معلوم و مشخص می‌شود.

اسوه و سمبل :

شخصیت عظیمی که خدای متعال درباره خلق و سیرت او، با شگفتی خطاب می‌فرماید و می‌گوید: انک لعلی خلق عظیم: (قلم، آیه ۴) به درستی که دارای اخلاق و خوی عظیم و شگرفی هستی .

او را موجودی متکامل، نمونه، بی‌نظیر و مقرب می‌داند و وی را برای جامعه بشری و کلیه انسانها، الگو و سمبل معرفی می‌کند.

انسانها برای رشد و تعالی و سیر به سوی کمال حقیقی خویش، علاوه بر نیاز به

طرق و راهها و عوامل مختلف، برای نیل به این مقصد، به اسوه و الگویی نیازمندند، و برخدای رحمان لازم است که این نیاز انسانها را نیز پاسخ بگوید و برای آنان سمبل و مقتدایی معرفی نماید که در این رابطه، رسول اکرم (ص) رابه جهانیان معرفی کرده و می فرماید: **لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيراً**: (احزاب، آیه ۲۱)

«در مورد رسول خدا، به تحقیق بهترین و نیکوترین اسوه و مقتدا برای شما است. برای کسی که امید به خدا و روز قیامت دارد و همواره به یاد خداست، و برای وصول به مقام قرب و وصول الی الله همیشه به او توجه دارد و خود را در محضر او می داند.»

با توجه به آیات مورد بحث که اندکی از آیات قرآن، در مورد عظمت رسول اکرم (ص) می باشند و با تاکید و اصرار فراوان، او را مدار حق و اطاعت او را بر جمیع جهانیان واجب شمرده است، ولایت بر نفوس و اموال مردم را در اختیار او گذاشته و پیروی از او را هدایت و مخالفت او را ضلالت و گمراهی دانسته، وی را حیاتبخش و رحمت جهانی و نشانگر جلال و جمال خداوندی و اسوه و مقتدای جهانیان معرفی کرده است. بدیهی است که بر هر انسان اندیشمند و آگاه به خصوص بر هر مسلمانی است که او را بهتر بشناسد و به تمام ابعاد زندگی او با دقت هر چه بیشتر تامل و تعمق نماید که راه وصول به کمال مطلق و مقام قرب و لقاء الهی تنها و تنها او و راه او است .

و باید انسان بداند که او چگونه شخصیتی است که خدای متعال هم به او احترام می گذارد و به مردم فرمان می دهد که در حیات و ممات او، در محضر او، به بلندی سخن نگویند: (لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی (حجرات، آیه ۲)) و خود می فرماید :

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا

تسلیمات: (احزاب، آیه ۵۶)

«براستی که خدا و فرشتگان خدا بر نبی درود می فرستند، ای کسانی که ایمان

دارید بر او درود بفرستید و درمقابل او تسلیم محض بوده، سلامهای خود را به محضرش تقدیم دارید».

تعقیب این اهداف، تحلیل این واقعیتهای، رسیدن به این امیدها، شناخت واقعی آن حضرت و پی بردن به صفات، حالات و خلق و خوی آن بزرگوار جز از راه شناخت سیره او میسر نخواهد بود.

سفارش اکید رسول اکرم (ص) و امامان (ع):

از آنجا که رسول اکرم (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) به محافظت و پاسداری از فرهنگ الهی اسلام و جامعیت آن و معرفت و آگاهی از همه ابعاد آن را برای انسانها، از هر چیزی مهمتر و خطیرتر می دانستند و از سوی دیگر بر اثر علل و عوامل مختلف، امکان اینکه مسلمانان، در فهم احکام و معارف اسلامی، به خطا و اشتباه درافتند، به توجه داشتن به سنت و سیره رسول اکرم (ص) و آشنایی کامل با گفتار، رفتار و همه ابعاد زندگی آن حضرت، تاکیدهای فراوان نموده، لزوم و ضرورت آن را وجوب عینی دانسته اند و بر خلاف برخی از اصحاب، که به عللی (در بحث عوامل تحریف در سیره یادآوری خواهد شد) از نگارش حدیث جلوگیری می کردند، ثبت و ضبط بیانات و اقتدا به سیره و سنت و تأسی به روش و بینش آن حضرت را بر همگان واجب و بر نگارش و عمل به آنها تاکید و تشویق فرموده اند.

پیامبر اکرم (ص) خود می فرماید:

اللهم ارحم خلفائی (ثلاث مرات) قیل له یا رسول الله و من خلفائك؟ قال: الذین یاتون من بعدی و یروون احادیثی و سنتی فیسلمونها الناس من بعدی. (مجلسی، بحارالانوار ج ۲، ص ۱۴۴ و در جای دیگر نقل شده که فرمود آنان رفقای من در بهشت خواهند بود (من لا یحضره الفقیه ج ۴، باب النوادر)) سه بار گفت: خداوندا خلفا و جانشینان مرا مورد رحمت خویش قرار ده، عرضه داشتند: یا رسول الله، خلفای شما کیانند، فرمود: آنان که پس از من خواهند آمد و احادیث و سنت مرا روایت خواهند کرد

سپس به آیندگان تسلیم خواهند نمود (و به امت من تعلیم خواهند کرد) (صدوق، امالی صدوق، معانی الاخبار و غوالی اللثالی).

و در عبارتی دیگر پس از آنکه از محضرش پرسیدند خلفای شما کیستند؟ فرمود: **الذین یحبون سنتی و یعلمونها عبادالله** (بحار، ج ۲، ص ۲۵) (آنان که سنت مرا احیا می‌کنند و آن را به بندگان خدا تعلیم می‌دهند).

کسی که مورد دعای خیر رسول اکرم (ص) است :

پیامبر (ص) برای تاکید به این امر و تشویق هر چه بیشتر، فرموده است :
نضرالله امرء سمع مقالتي فوعاها و بلغها من لم یسمعها. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، و نهایتاً ابن اثیر، علم) (خدای متعال نعمتهای فراوان، شادی و شادکامی و حسن عاقبت به کسی عنایت فرماید که گفته‌های مرا بشنود و بیندیشد و بفهمد و آن را به کسانی که نشنیده‌اند، ابلاغ نماید).

و باز فرموده است :

من ادی الی امتی حدیثاً یقام به سنة او یثلم به بدعة فله الجنة (بحار مدرک قبل، ص ۱۵۲) (کسی که حدیثی را به امت من برساند که به وسیله آن سنتی اقامه و احیا گردد یا بدعتی شکسته شود، پس بهشت برای او خواهد بود).

و در مورد دیگر تصریح فرموده است :

من حفظ من امتی اربعین حدیثاً من السنة کنت له شفیعاً یوم القيامة. (همان) (اگر شخصی از امت من چهل حدیث از سنت را حفظ و نگهداری نماید، من در قیامت شفیع او هستم).

نمونه‌هایی از سفارشهای رسول اکرم (ص) که نقل شد، همگی حاکی از این حقیقت هستند که آن حضرت توجه و تاکید بسیاری بر این داشته‌اند که مسلمانان، علاوه بر اینکه در حفظ و حراست سنت بکوشند باید همواره به سیره و سنت نبوی آشنا باشند تا واقعیت اسلام، در میان مردم باقی بماند تا آنجا که از بیانات او و سایر معصومان (ع) و اوامری که صادر فرموده‌اند، وجوب این امر استفاده می‌شود و عدم

توجه به آن، در واقع عدم توجه به اسلام می‌باشد. پیامبر (ص) به صورت امر می‌فرماید :

ليبلغ الشاهد الغائب فان الشاهد عسى ان يبلغ من هو اوعى منه (همان) (باید افرادی که حاضرند به کسانی که غایب هستند، (سیره و سنت) را ابلاغ نمایند، زیرا شاید شخص حاضر به کسی که از خود داناتر و فهمیده‌تر است، ابلاغ نماید.»

پاداش نگارنده حدیث :

از آنجا که اهمیت نگارش و ثبت وقایع، بر هر عاقلی پوشیده نیست و یکی از عوامل حفظ میراث فرهنگی و نگاهداری سنتها، کتابت و نوشتن و ضبط آنها در کتب می‌باشد، رسول اکرم (ص) در موارد مختلف و شرایط گوناگون، مسلمانان را به این امر تشویق کرده و به آن دستور داده و فرموده است :

المومن اذا مات و ترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترًا فيما بينه و بين النار و اعطاه الله تبارك و تعالى بكل حرف مكتوب عليها مدينة اوسع من الدنيا سبع مرات (مدرک قبل، ص ۱۵۴): (هرگاه مومنی بمیرد و یک صفحه کاغذ از خود برجای بگذارد که بر آن مطلبی از علم، نگاشته شده باشد، این ورق کاغذ در روز قیامت بین او و آتش حجاب و مانعی خواهد بود و خداوند تبارک و تعالی در مقابل هر حرفی که بر آن نوشته شده است، شهر بزرگی به او عطا خواهد فرمود که هفت برابر این دنیا است.)

و در وصیتی که به حضرت امام امیرالمومنین (ع) فرموده درباره پاداش کسی که چهل حدیث از سیره و سنن نبوی را حفظ و حراست نموده، افزوده است :

حشره الله يوم القيامة مع النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقاً (مدرک قبل، ص ۱۵۴). (خدای متعال در روز قیامت او را با پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان محشور خواهد کرد که اینان بهترین و گرامی‌ترین رفیقان هستند.)

و روایات بسیاری در این زمینه رسیده است که تنها به عنوان نمونه به این حد اکتفاء می‌کنیم و محققان را به کتب سیره و حدیث ارجاع می‌دهیم.

نمونه‌ای از دیدگاه‌های سایر معصومین (ع):

حضرت امام علی (ع) که در کانون عشق و ایمان رسول اکرم (ص) پرورش یافته و وجود شریفش سراپا نمایانگر همه ابعاد وجودی آن حضرت است، بیانات گسترده‌ای در رابطه با سیره و سنت دارند که خود کتابی مستقل و مجزا را می‌طلبد به عنوان نمونه به برخی از فرموده‌های او اشاره می‌کنیم که چگونه توجه و آشنایی و حفظ سیره را واجب و لازم معرفی کرده و آن را (تالی تلو) و نظیر قرآن و رکن رکین و اساسی اسلام دانسته‌اند؟

او می‌فرماید: **و لکم و علینا العمل بکتاب الله تعالی و سیره رسول الله و القیام بحقه و التعیش لسنته** (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸) (واجب است بر شما و ما، عمل کردن به کتاب خدا (قرآن) و سیره رسول خدا (ص) و قیام به حق و انجام دادن همه اوامر و دستورهای او به گونه‌ای که سزاوار است و تبلیغ و انتشار و بلند آوازه‌تر ساختن سنت آن بزرگوار)

و در جای دیگر پس از توجه دادن مردم به یاد و ذکر خدا و قبل از سفارش نسبت به قرآن، درباره سیره و سنت رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

و اقتدوا بهدی نبیکم فانه افضل الهدی و استنوا بسننه فانها الهدی السنن (مدرک قبل، خطبه ۱۰۹) (پس به هدایت و راهنمایی‌های پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین ارشاد و هدایت است و به طریقه، سیره و سنت او رفتار نمائید (به روش و سیره او درآئید) که سنت او هدایت‌گرترین سنتها و طریقه‌هاست.)

و در وصیت خویش به فرزند ارجمندش حضرت امام حسن (ع) در رابطه با نبی مکرم (ص) می‌فرماید:

فارض به رائداً و الی النجاة قائداً (مدرک قبل وصیت ۳۱ ص ۹۱۸) (پس او را سمبل، اسوه، پیشوا، رهبر و رهنمای خود قرار ده و به این پیشوایی و رهبری به سوی نجات

و نیکبختی خرسند و راضی باش.»

و درجای دیگر به صراحت می‌فرماید:

سیره‌ته‌القصده‌وسنته‌الرشده‌وکلامه‌الفصله‌وحکمه‌العدل (مدرک قبل، ص ۲۷۹)
(سیره و روش او میانه است «نه افراط و نه تفریط» و سنت او رشد، تکامل و هدایت
و کلام و سخن او شاخص و محک حق و باطل و حکم و فرمانش دادگری و عدالت
است.)

سیره و سنت پیامبر در ردیف و کنار توحید:

پیشوای موحدان و آزادگان جهان، حضرت امام علی (ع) ساعاتی قبل از
شهادت، در وصیت خود که مسائل اساسی و ریشه‌ای اسلام را بیان می‌کند، سیره و
سنت را در کنار و ردیف توحید قرار داده اظهار می‌دارد که پایه و اساس، بر دو مبنا
استوار است:

یکی توحید و توجه به خدای متعال و مبارزه با شرک و دیگری سیره و سنت
رسول اکرم (ص) و می‌افزاید:

اما وصیتی فالله لا تشركوا به شیئاً و محمداً (ص) فلا تضیعوا سنته اقیموا
هذین العمودین و اوقدوا هذین المصباحین (مدرک قبل، خطبه ۱۷۹) (اما وصیت من:
پس خدا را که به او هیچ چیزی را شریک نیاورید و در مورد محمد (ص) پس سنت
او را ضایع نگردانید. این دو استوانه مستحکم را برپا دارید و این دو چراغ فروزان را
همواره روشن و افروخته نگاه دارید.)

و در مورد دیگر، پس از آنکه از شکوه، جلال و عظمت رسول اکرم (ص) بیاناتی
را اظهار فرموده و در مورد برخی از اصول سخن رانده است، با تأکید فراوان
می‌فرماید: فالله و الاحیاء للسنة. (مدرک قبل، خطبه ۱۰۴) (پس خدا را خدا را در مورد
زنده نگاه داشتن و احیاء سنت.)

معیار ارزش و دژی استوار:

حضرت امام محمد باقر (ع) می‌فرماید:

ان حدیثنا یحیی القلوب و منفعته فی الدین اشد علی الشیطان من عبادة سبعین الف عابد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۱ و دعوات راوندی) (بی تردید، گفتگو از سیره و سنت ما، دلها را زنده می‌کند و نفع و فائده‌ای که از آن به دین می‌رسد، برای شیطان از عبادت هفتاد هزار عابد، سخت‌تر و شدیدتر است.

و حضرت امام صادق (ع) فرموده‌اند: رحم الله عبداً احیا امرنا (مجلسی، بحارالانوار ج ۲، ص ۱۴۵ و بصائرالدرجات) (مورد رحمت الهی قرار گیرد کسی که امر ما را احیا می‌کند و زنده‌نگاه می‌دارد و باز فرموده است: الراویة لحدیثنا فی الناس و تشدد فی قلوب شیعتنا افضل من الف عابد (مجلسی، بحار، ج ۲، ص ۱۴۵ و بصائرالدرجات) (کسی که همواره از سیره و سنت ما گفتگو می‌کند و آن را در دل‌های پیروان ما مستحکم‌تر می‌سازد، از هزار نفر عابد با فضیلت‌تر و برتر است).

و در مورد قدر و منزلت و مقدار ارزش و شخصیت پیروان، فرموده است: اعرفوا قدر منازل شیعتنا علی قدر روایتهم عنا و فهمهم منا (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۸) (بشناسید قدر و منزلت شیعیان ما را به اندازه‌ای که از ما روایت می‌کنند و به اندازه‌ای که از ما می‌فهمند).

برخواندگان پوشیده نیست که اگر مسلمانان جهان، حتی بخواهند با هجوم شیاطین استعماری و دشمنان فرهنگی خویش مبارزه کنند که امروز بیش از هر زمان از این طریق وارد شده‌اند، باید دقیقاً به سیره و روش رسول اکرم (ص) و معصومین (ع) مراجعه کنند و ارزش خود را به دست آورند و در دژ مستحکم و استوار سنت نبوی قرار گیرند که طبعاً هیچ حمله و هجومی بر آنها اثر نخواهد گذاشت.

و در تاکید به این امر از سوی معصومین (ع) به اندازه‌ای دستور و فرمان رسیده و تکرار شده است که ادای این حق، تصنیف و تالیف کتاب حجیم و قطوری را

می طلبد، که ما در اینجا فقط به عنوان نمونه به این مقدار بسنده کردیم تا به خواست خدای متعال بتوانیم به سایر مطالب لازم برسیم .
امید است فضلا و دانشمندان ، در تکمیل ابعاد مختلف موضوع سیره در خصوص سیره از دیگاه پیشوایان و رهبران الهی، تحقیق مستوفا و لازم را نموده؛ کتابی در این باره در اختیار دیگران قرار دهند .
خدای متعال ما را در این مسیر موفق بدارد و از آگاهان و عاملان به سیره و از عاشقان و شیفتگان واقعی رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) قرار دهد .

به دست آوردن بینش اصیل اسلامی :

یکی از مشکلات اساسی در مورد مسائل اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و... در میان مسلمانان، اختلاف روشها و بینشها است که به اختلاف کلی می انجامد و مانع و سد بزرگی در مقابل وحدت مسلمین می گردد و سرانجام انواع تباهیها و بدبختیها دامنگیرشان می شود.

این ضایعه، بر اثر عدم درک و فهم صحیح از دین و آشنا نبودن به ابعاد مختلف آن و نداشتن بینش اسلامی است که اگر با اندکی انانیت و خودخواهی نیز آمیخته گردد (که معمولاً چنین است) بزرگترین فاجعهها را در پی خواهد داشت و در تاریخ، از این طریق و در اشکال مختلف، ضربه های جبران ناپذیری به پیکره اسلام و مسلمانان وارد شده و صفحات تاریک و ظلمانی به جای مانده است .

جنگهای داخلی، اختلافها، قتلها و کشتارها، حق کشیها، ظلمها و ستمها و ضدیت با حق، ناجوانمردی و نامردمی و اعمال غیر انسانی که چهره تاریخ را سیاه و کریه جلوه داده است و به وسیله خود مسلمانان بر مسلمانان رفته، به گونه ای است که قلم از نقل آنها هم ننگ دارد و اشک و آه و افسوس از دیدگان هر انسان آگاه و وارسته و هر محقق بصیر و ژرف اندیش، فرو می چکد !! و ... همه این خسارتها و

زیانها، معمولاً بر اثر آن بوده که اکثریت قابل توجهی از مسلمانان، با داشتن فرهنگهای جاهلی و غیر اسلامی، از بصیرت و بینش صحیح دینی برخوردار نبودند و از دین آنچه را که خود تصور داشتند، برداشت می‌کردند و رفتار و اندیشه‌های خود را به نام اسلام ارائه می‌دادند و طبعاً خیانتها و جنایتهای گوناگون، در جامعه انجام می‌گرفت.

حتی در عصر ما که دانشمندان و رهبران بزرگ اسلامی و دینی توانسته‌اند تا حدودی مردم را به آگاهیهای بیشتر و بهتری برسانند و سطح دانش و اندیشه مسلمانان عالتر شده است، در عین حال خطر ناآگاهی و نداشتن بینش اسلامی در جوامع اسلام، از خطر دشمنان خارجی و استعمارگر بیشتر است و آنان نیز بیش از هر عامل از زمینه‌های داخلی استفاده می‌کنند و مسلمانان به ظاهر مسلمان اما بی‌خبر از بینش اصیل اسلامی، بهترین زمینه و وسیله برای شیاطین استعماری هستند، به خصوص اگر به علوم و فنون علمی روز هم مجهز شده باشند، از یک سو با تخصص و دانش صوری، غرور کاذب علمی سراسر وجودشان را فرا خواهد گرفت و از سوی دیگر با رکود ابعاد انسانی و ناآشنایی به احکام آزادیبخش اسلامی، افرادی مزدور و دلالتی برای مریبان و اربابان فرهنگی استعماری خود خواهند گشت. و به فرموده قرآن:

وعصوا رسله واتبعوا امرکل جبار عنید. (سوره هود، آیه ۵۹)

(و رسولان و پیام‌آوران خدا را عصیان کردند و از فرمان هر ستمکاره لجوج و عنودی پیروی نمودند.)

امروز از هر خطری بیشتر، این خطر، نظام اسلامی و مسلمانان را تهدید میکند. در کشور اسلامی و بزرگ ایران با اینکه اسلامی‌ترین مردم جهان و دل‌باخته‌ترین ملت‌ها به اسلام و قرآن و عاشق و شیفته اهل بیت عصمت (ع) هستند، در عین حال، به عقیده نگارنده بیش از هر مشکلی برای امت، مشکل عدم آشنایی واقعی به اسلام و نداشتن بینش صحیح دینی، به جامعه و نظام ما لطمه می‌زند و هر مشکل غیر قابل

تحملی، از این راه بر ما ضربه وارد می‌سازد و لذا ما در سراسر کشور، از افرادی که واقعاً بینش اسلامی دارند، در هر صنف و شغلی که هستند، هیچگونه زیانی نمی‌بینیم، و همه ضررها از سوی کسانی است که در هر چهره و در هر منصبی که می‌باشند یا اسلامی نیستند و یا متعادل نمی‌باشند و یا بینش اسلامی ندارند (و لو اینکه به ظاهر بسیار مذهبی به نظر می‌رسند) و یا اینکه دشمن هستند.

از دشمن هیچگونه انتظار و توقعی جز دشمنی نمی‌رود، اما دوستان، با داشتن این نقیصه نمی‌توانند لطمه نزنند و به طور طبیعی چه بسا روش و گفتار و کردارمان خود زیانبخش باشد و ناخواسته به سود دشمنان وارد عمل شویم که حضرت امام علی (ع) فرمودند:

العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر طریق فلا تزیده سرعة السیر الا بعداً. (نهج البلاغه)

کسی که کاری را بدون بینش و بصیرت انجام می‌دهد، همانند کسی است که از بیراهه می‌رود. در نتیجه، سرعت سیر، برای او فائده‌ای جز دوری از مقصد نخواهد داشت.

راه جبران خسارتها:

برای جلوگیری از این حوادث دردناک و برای جبران خسارتها، ضروری است که برای آگاهی و آشنایی کامل به کلیه ابعاد اسلام و داشتن بینش صحیح اسلامی به سیره و سنت رسول اکرم (ص) آشناتر گردیم و سبک زندگی و روش آن حضرت را در تمام مسائل حیات بدانیم و بشناسیم و کیفیت اعمال و گفتار او را به دست آوریم. چون دانستن احکام اسلام و حتی عمل کردن به قرآن، به صورتی که خود می‌فهمیم بدون توجه به سیره نبوی ممکن است با عوامل دیگر دستخوش تغییر و تبدل گردد و با اهواء و تخیلات خویش آن را آمیخته سازیم و در نتیجه عملی غیر اسلامی انجام دهیم امام علی (ع) در احتجاج و اقامه برهان در مقابل منافقان و

خوارج می‌فرماید :

لا تحاججهم بالقرآن فان القرآن ذو وجوه تقول و يقولون ولكن حاججهم
بالسنة فانهم لن يجدوا عنها محيصا (تصنيف نهج البلاغه، ص ۲۱۸)

(با منافقان و خوارج، به وسیله قرآن احتجاج و استدلال نکن. زیرا قرآن، دارای
وجوه مختلفی است، تو می‌گویی آنان نیز می‌گویند (و بوسیله قرآن دلیل می‌آورند)
ولکن با آنان به وسیله سنت و سیره استدلال کن که آنان راه فرار از آن ندارند.)

بنابراین برای به دست آوردن بینش دینی اصیل، حتماً باید با سیره و سنت
آشنایی و شناخت کامل داشته باشیم و همه حیات و زندگی خویش را با محک
سیره رسول اکرم (ص) بیازمائیم که در نتیجه همه بینشها به یکدیگر نزدیک خواهند
شد و خود را با آن سرور، تطبیق خواهیم داد.

باز هم امام علی (ع) می‌فرماید :

ولقد كان في رسول الله كافي لک في الاسوه. (به تحقیق رسول الله چنین بودند) (به
تحقیق رسول الله چنین بودند که برای تو در اسوه و مقتدا بودن کافی است.)
و در مورد دیگر فرمودند :

فتاس بنبيك الاطيب الاطهر فان فيه اسوة لمن تاسى واحب العباد الى الله
المتاسى بنبيه والمقتص لاثره. (مدرک قبل)

(پس به پیامبرت، که پاکترین و پاکیزه‌ترین است، تاسی و اقتدا کن در وجود
مقدسش جهاتی هست که او می‌تواند اسوه و سمبل برای کسانی باشد که طالب
اسوه هستند و محبوبترین بندگان در پیشگاه خدا کسی است که به پیامبرش تاسی
و اقتدا نماید و پا به جای پای او بگذارد و پیرو او باشد.)

این درد را به کجا بریم و به که بگوئیم که: ما مسلمانان نه تنها شخصیت الهی
رسول اکرم (ص) و ابعاد وجودی و سیره و سنتش را ادراک نکرده و نشناخته‌ایم،
بلکه اکثریت قاطع با کلمات و الفاظ آن حضرت هم آشنایی نداریم و نمی‌فهمیم.
استعمار فرهنگی و جهالت و ناآگاهی باعث شده است که با فرهنگ لغات و کلمات

او هم آشنایی نداشته باشیم. بسیاری از تحصیل کرده‌ها و درس خوانده‌ها به بهانه اینکه رشته آنان نبوده و تخصص آنان نمی‌باشد، عملاً از سیره او قرآن و اسلام، اطلاعی ندارند که در این صورت (اسلامی هم) نخواهد بود، همان که استعمار فرهنگی طالب آن است و به این جهت هم سرمایه‌گذاری کرده است.

در کشور اسلامی ایران که با انگیزه الهی قیام و انقلاب شده و خون پاک صدها هزار شهید، نهال انقلاب را بارور کرده است، پس از گذشت حدود بیست سال، بسیاری از درس خوانده‌ها و حتی گردانندگان دوائر و کسانی که از بیت‌المال مسلمانان ارتزاق می‌کنند، هنوز الفبای اسلام را نمی‌دانند و به اندازه‌ای که با فرهنگ بیگانگان آشنایی دارند، با فرهنگ اسلام و ایران آشنا نیستند. درون خانواده‌های بسیاری از اینان نه تنها به یک کانون خانواده مسلمان شباهت ندارد که از فرهنگ ایران هم کاملاً فاصله گرفته‌اند.

و تاسف دیگر اینکه: در بسیاری از موارد و در برابر کسانی که از کشورهای دیگر می‌آیند و یا اینان به کشورهای دیگر می‌روند، این افراد نشانگر اسلام و نماینده ایران و انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌گردند و روش، بینش و سبک زندگی اینان به پای انقلاب اسلامی گذاشته می‌شود.

در هر صورت راه جبران این همه خسارت و درمان این دردها، این است که ما در واقع با زندگی رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت (ع) آشنا گردیم و از سیره آنان بینش صحیح اسلامی به دست آوریم که:

يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِم إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (سوره مائده،

آیه ۶)

(پیامبر آنان را از تاریکیها و ظلمات خارج می‌سازد و با اذن خدای متعال، به سوی نور و روشنایی و به راه راست و صراط مستقیم، رهبری و هدایتشان می‌کند). و در این باره امام امیرمؤمنان (ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

و اردد الى الله و رسوله ما يضلحك من الخطوب و يشتهه عليك من الامور فقد

قال الله تعالى لقوم احب ارشادهم (يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم فان تنازعتم فى شى فردوه الى الله و الرسول) فالرد الى الله الاخذ بمحكم كتابه و الرد الى الرسول الاخذ بسنته الجامعة غير المفرقة. (نهج البلاغه، فيض السلام، ص ۱۰۰۸)

و در مشکلات و اموری که برای تو مشتبه شده و ممکن است تو را به کژی و انحراف و اعوجاج بکشاند، به خدا و رسول خدا مراجعه کن که خدای متعال به کسانی که ارشاد آنان را دوست می‌داشته، فرموده است:

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید. خدا و رسول خدا و صاحبان امر و ولایت را که از خودتان هستند، اطاعت نمائید، پس اگر در مورد چیزی منازعه و اختلاف داشتید، پس آن را به خدا و رسولش ارجاع دهید).

در نتیجه رجوع به خدا یعنی اخذ نمودن و توجه و عمل کردن به محکومات قرآن و رجوع به رسول، یعنی اخذ به همه ابعاد و سنت او و نه جدا جدا (و نه به یکی عمل کردن و به دیگری توجه نداشتن).

در اینجا امام (ع) علاوه بر اینکه توجه داده‌اند که همه سنت، اسلام است و نه آنکه مانند برخی: و نؤمن ببعض و نکفر ببعض (نساء، آیه ۱۵۰) تاکید فرموده‌اند که رجوع به قرآن و سنت، به طور هماهنگ و جامع، انسان را از انحرافات و کژیها باز می‌دارد و از مشکلات و مشتبهات حفظ می‌کند.

نتیجه:

بنابراین یکی از اهداف در تحقیق و تحلیل از سیره، به دست آوردن بینش اصیل اسلامی است که نکات مورد بحث آینده نیز ممکن این بحث خواهند بود، و به سیره تنها به صورت تاریخ نگریستن به حق آن ادا نخواهد شد و لازم است ضمن آنکه پیشوایان اسلام خود نیز ابراز نموده‌اند، سیره و سنت را رکن دوم فرهنگ و تاریخ اسلام بدانیم تا از لغزشهای گوناگون فکری، اعتقادی و علمی مصون بمانیم.